تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

نویسنده‌گان: محمد رضا اکبری
حسین قربانی حضویه

چکیده
در این مقاله، کوشیدتیم تا نقش صادرات و رشد آن در رشد اقتصادی یا تأکید بر صادرات نتفی و غیرنفی را آزمون نماییم و تشکیل سرمایه را نیز به عنوان تابعی مثبت از رشد صادرات مورد توجه قرار دهیم. در این مطالعه که در قالب بخشی و غیرنفی انجام می‌گردد، پس از بررسی مختصری از راهبرد توسیع صادرات و ترکیب آنها در ایران برای برآورد مدل از فیون اقتصادسنجی و روش‌های برآورد هم زمان، سود جسته‌ایم همچنین آمار سری زمانی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷ را در نظر گرفته و به مطالعه موردی ایران پرداخته‌ایم.

مقدمه
رشد و توسیع اقتصادی از جمله هدف‌هایی است که هر اقتصادی دنبال می‌نماید و برای رسیدن به این مهم بايد زمینه‌لازمه را می‌توان نماید. در این تلاش‌ها، امکانات بالقوه بايد شناسایی شود و همه بخش‌ها به شکل مناسب رشد نمایند. از جمله زمینه‌هایی که بايد مورد توجه قرار گیرند، تجارت خارجی است که از این میان دو سیاست مهم و متقاوی توسیع صادرات و جای‌گزینی واردات از افزایش بسیار می‌تواند به شمار می‌آید. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که هر دو سیاست در زمان خود از کارآیی لازم برخوردار بوده‌اند. از دهه ۱۳۷۰، بسیاری از کشورها، به‌همراه توسیع

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
دانشجوی دوره دکتری رشته اقتصاد دانشگاه اصفهان
تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

чистیاگری‌های اقتصادی به دنیه‌هایی نماید افزایش سرمایه‌گذاری و بدون توجه به صادرات وارد داشته باشد.

لابلای مهم این مسئله است. بدن روزی، توجه به صادرات غیرفتی از اهمیت شایانی برخوردار است و بررسی‌های بسیاری را بر می‌انگیزد.

راهنمای توسعه صادرات و تجربه ایران

توسعه صادرات در قالب سیاست‌های پیشنهادی در تجارت خارجی مطرح می‌گردد و مربوط به صادرات کالاهای غیرمستقیم است. نحوه ساخت و ساختن شده‌ها باعث می‌شود که متون سنگین به سیاست‌های نویده‌ای تجارت خارجی و بازارهای جهانی وارد دهد. به علاوه، عدم توانایی تولید محصولات، حصول کاراکتر و افزایش بهره‌وری عوامل توسعه، استفاده به‌پیشنهاد بیکاری و افزایش رقابت بین تولیدکنندگان به‌همه‌گونه محصولات، استفاده از سطح بالایی فن‌آوری و تکنولوژی، از آوری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و استقرار بازارهای داخلی، از
جمله مزایای سیاست توسعه صادرات به شمار می‌رود.

در ایران، در برنامه عمرانی سوم (1344-1349) سیاست جایگزینی واردات، سر لوطه سیاست‌های تجاری قرار داشت و تا سال‌های پس از آن ادامه یافت. پس از پیروی اقلاب اسلامی، سیاست‌های تجاری کشور متحول گردید و شکل نسبتاً منظمی به خود گرفت. اما عوامل متعددی، از جمله جنگ تحملی، مانع از تحقق هدف‌ها گردید. بنابراین سیاست جایگزینی واردات همراه با کنترل هوا و نظارت‌های ویژه تا شروع تخستین برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که در سال 1372 آغاز گردید، ادامه یافت. در این برنامه، سیاست جایگزینی واردات همراه با سیاست توسعه صادرات اتخاذ گردید و سعی شد با برنامه‌ریزی‌های محرمانه مواجهات آفرینش توان تولید داخلی و بهبود کیفی محصولات صنایعی فراهم گردد. در این برنامه، رشد صنعتی قابل ملاحظه‌ای در نظر گرفته بودند که افزایش‌سرماه‌های بخش خصوصی و تقویت فن‌آوری مورد استفاده را پیش‌بینی می‌نمود. این برنامه، افزایش صادرات غیرنفتی و به ویژه صادرات صنعتی را به عنوان هدف اصلی دنبال می‌کرد به طوری که سهم صادرات غیر نفتی در اقتصاد کل صادرات به رغم 42 درصد رسید و ارزشی معادل 118 میلیارد دلار را به همراه اورود. دویین برنامه توسعته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در سال 1374 آغاز گردید، سیاست توسعه صادرات را دنبال نمود. اما در این زمینه، جنگ مرمت خالقی نکرد و در این زمینه، نوسان‌های بسیاری داشت. یکی از دلایل مهم در این خصوص را می‌توان ناکامی دولت در سیاست‌های تعلیق بذر نام برده که به اتخاذ سیاست تبیت از منجر گردید. سیاست جایگزینی واردات که در این برنامه نیز فراموش نگردید، به لطف حمایت‌های لازم، موفقیتی نسبی به دست آورد. صادرات خیرنفتی در برنامه دوم نوسان‌های زیادی داشته و از میزان مورد نظر در برنامه دوم دور بوده است.

روند صادرات در ایران

صارادات بدون توجه به توان تولید داخلی و سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌توان فهمه‌نامه‌نگر و بايد همراه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد تا محترم رشد و توسعه اقتصادی گردد. مفهوم صادرات در ایران با صادرات نفت معنا می‌گیرد به طوری که می‌توان گفت بیش از 80
درصد از صادرات کشور ما را نفت تشکیل می‌دهد. اهمیت این ماده حیاتی موجب شده که صادرات ایران در کلاه‌های دیگر تحرک انجامیده باشد و صادراتی تک محسوسی را برای ایران رقم بزند. به طور مسلم، نمی‌توان نفت صادرات نفت را در از افزایش درآمدهای دولت و واردات کالاهای سرمایه‌ای، و استراتژی و حتی مصرفی اندازه نمود، اما این توجه از حد معقول فراتر رفته است. بررسی آمارهای موجود نشان می‌دهد که مهم نفت و صادرات آن در فعالیت‌های اقتصادی ایران سهم شایانی داشته است. به طوری که با افزایش تولید و با افزایش قیمت نفت نفت اقتصاد در مرحله گشایش قرار گرفته است و با وجود تنگناهای متفاوت در این خصوص، اقتصاد ایران دچار رکود فعالیت اقتصادی شده است. از آن جا که صادرات نفت موجب افزایش واردات، و برخی کالاهای سرمایه‌ای و استراتژیها می‌شود، می‌تواند به تعادل منافع غیرمثبت صادرات نفت تأثیر قلیانی شود. برخوان‌های مختلف خیلی که سبب تغییرات عرضه، تقاضا و قیمت جهانی نفت می‌شوند از یک سو، و سیاست‌های اتخاذ شده دولتمردان که بر مبنای توسعه صادرات و خارج شدن از صادرات تک محصولی استوار گردیده از سوی دیگر، اهمیت صادرات غیرنفتی را موجب شده است. هر چند ثبت‌هایی در انتظار نخواهد بود. همانگونه که سیاست توسعه صادرات را در روند فعالیت‌های اقتصادی کشور طی دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشاهده کرده‌ایم، ثابت نسبی پایداری را در این تحولاتی است. آمارهای نشان می‌دهند که صادرات غیرنفتی در سال‌های 1372 و 1373 به بالاترین میزان خود رسیده و سپس کاهش یافته‌اند. در برنامه اول توسعه، صادرات غیر نفتی روند صعودی در طی این دو سال افزایش یافته‌اند. در سال‌های پایانی برنامه دوم، روند صعودی پایان یافته و صادرات غیرنفتی، به طوری که در سال 1374، ارزش صادرات غیرنفتی برابر 2/3 میلیارد دلار بوده که نسبت به سال 1373 کاهشی به‌طور 33 درصد را نشان می‌دهد. در سال 1375 صادرات غیرنفتی، رقم حزد 3/3 میلیارد دلار را نشان می‌دهد، در حالی که پیشینه شده بود بغل بر 5/5 میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته بوده. در سال 1376 صادرات غیرنفتی، قرب 3 میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل با کاهش رو به رو شده است. از سوی دیگر، به‌طور چشمگیر نیست، اما روند حرکت این دو متغیر تغییرات هم چه‌گونه را نشان می‌دهد.
روند صادرات غیرنفتی در ایران

از زمینه‌های تجارت جهانی و بازارهای بین‌المللی، اهمیت صادرات غیرنفتی را کاملاً آشکار می‌نماید. صادرات غیرنفتی در فعالیت‌های اقتصادی چاپ‌گرایی و یوزهای دارد و مزایای متعددی برای اقتصاد داخلی به‌همراه می‌آورد. تقویت و توسعه زیرساخت‌های مربوط‌ه، انتقال عوامل تولید از بهشت‌های ناکام‌آمد به بخش صادرات، افزایش رقابت بین‌المللی و داخلی، اعتماد از برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و باسته‌های جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و کمک به بسط موضوع تحقق و توسعه را می‌توان از مزایا این قسمت بر شمرد.

صادرات غیرنفتی را می‌توان در قالب صادرات صنعتی، محصولات کشاورزی، محصولات سنگین و خدمات تقسیم‌بندی نمود. در بخش خدمات، صادرات محصولات چاپ‌گرایی حاصل‌گرده است، بجز در موارد معنادار صادرات خدمات فنی و آموزشی که چندان شایان توجه نیستند. در مورد محصولات سنگین، مهم‌ترین صادرات را کالاهای فرش در بری‌گرید که روند صادرات این کالا نیز سیر نشان داده است، به طوری که طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۷، سهم درصد ۰/۴۷ درصد به ۱۱/۱ درصد گذشت. همچنین سهم فرش ایران در بازار آلمان که بزرگ‌ترین خریدار فرش کشور ماست، از ۱/۳ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۴۰/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. از علل اصلی این روند نزولی می‌توان به کاهش قیمت فرش ایران، افزایش رقابت در عرصه بین‌المللی فرش و عدم توجه مسئولان ذی‌ربط به است؛ به طوری که سطح پیشنهای تولید فرش، آن هم به شکل صنعتی و بالاخره اشغال نمود.

در بخش کشاورزی، مزیت‌های متعددی را داشت که شاخصه‌های دوباره، ماهی‌های تولید، از کارگاه‌های تولید، نباید از آن به کار گیرید. می‌تواند توانایی مناسبی را برای این بخش فراهم آورد. سهم این بخش از تولید ناخالص ملی جدول ۲۵ درصد است و ۳۳ درصد از درآمد صادرات غیرنفتی را دربرگرفته است. همچنین سهم وارداتی این بخش به شروع برنامه‌های تولید و به‌کارگیری این کالاهای کاهش داشته است.

صادرات محصولات صنعتی، مهم‌ترین بخش صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد و می‌تواند
محمدرضا طهرانپور

تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

مجری مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی باشد. تجربیات بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد کلیدی رشد و توسعه آنها رشد بخش صنعتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی بوده است.

اطلاعات و ارقام موجود در بخش صنعت ایران، حاکی از آن است که این بخش از مشکلات متعددی رنج می‌برد. مشکلات ساختاری، عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب در خصوص آموزش نیروی انسانی، دستیابی به فن آوری پیشرفته و وجود سلبیتی‌ها و برخوردهای غیر استاندارد در صنعت تأثیرات نامطلوب جبران ناپذیری را ایجاد نموده‌اند. استفاده از درآمد مالی نیز توانسته‌های موجب شکوفایی این بخش شده و رشد مستمر و پایداری را در این بخش حاصل نماید. به طور خلاصه، می‌توان گفت بخش صنعت در ایران فاقد راهبرد مناسب توسعه است.

بررسی آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که در حدود سال ۱۳۸۵ رشد ارزش افزوده صنعت به درصد خودسر در سال ۱۳۷۵ به ۲۰ درصد افزایش یافته است. این رشد در سال ۱۳۷۵ به رقم ۱۳۷۷ درصد تکمیل یافته است. در سال ۱۳۷۸ نیز این کاهش تا ۱۳۷۷ درصد رسیده است. علت عده این کاهش، نوسان‌های دسی پیازی بدی است که بخش صنعت در دوره جنب تحمیلی داشته است. پس از جنگ تحمیلی و با شروع برنامه‌های توسعه، بخش صنعت قوت دوباره‌گرفت و به بالاترین نرخ رشد در سال ۱۳۷۷ رسیده بود، به طوری که در این زمان، بخش صنعت درصد بر اساس سر گزنت‌ها و حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داد.

پس از سال ۱۳۶۵، روند رشد بخش صنعتی به سرعت تازویلی طی نموده است و در سال انتهایی مورد بررسی به حدود ۱۶ درصد رشد رسیده است. سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی به حداکثر در سال ۱۳۷۶ به حدود ۸۶ درصد رسیده است. با وجود مسلماً برخی از سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی که طی دوره مذكور حاصل یافته است. سهم محصولات صنعتی در صادرات غیرنفتی طی دوره مورد بررسی نوسان‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. این سهم در سال ۱۳۵۰ به تعداد ۲۳ درصد بوده در سال ۱۳۶۵ به ۱۴۶۵ به مقدار ۱۲ درصد و نیز در سال ۱۳۷۰ به رقم ۲۵ درصد رسیده است. در پایان برنامه اول توسعه، سهم مذكور به ۲۲ درصد رسیده و روند رشد آن، طی سال‌های برنامه‌های دوم توسعه ادامه داشته.
است.
در مجموع، می‌توان گفت که صادرات صنعتی از رشد پایدار و بهینه‌ای برخوردار نیسته است و توانسته نقش اصلی خود را در رقابت صادرات غیرنفتی بازی نماید. صادرات غیرنفتی در بخش‌های دیگر نیز هنوز به کالاها و محصولات سنتی وابسته است و توانسته از این اکثر دراز مدت هره جسته و همگام با فن اوری نوین جهانی پیش رفت و سهم پازارهای جهانی خود را حفظ نماید.

تأثیر صادرات در تشکیل سرمایه

حلقه مقاومت ارتباط صادرات و سرمایه‌گذاری را می‌توان در افزایش توان تولید داخلی جستجو نمود. برای صادرات بیشتر نیاز به تولید بالا دارم و برای رسیدن به توان بالای تولیدی به سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه نیازمندیم. از زمینه‌های جدید و سرمایه‌گذاری فراوان برای افزایش حجم تولید است. غیرقابل انتکار است، چرا که با افزایش تفاوت بین کالا و تولیدات (داخلی و خارجی) سرمایه‌گذاری جدید امری ضروری و حیاتی است. بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین صادرات و تشکیل سرمایه، رابطه مثبت وجود دارد.

ارقام نشان می‌دهند که رشد تولید ناخالص داخلی در روند تشکیل سرمایه کاملاً مؤثر می‌باشد و همچنین با افزایش صادرات، به ویژه صادرات تغییر، سرمایه‌گذاری تروت افزایشی داشته است. به‌طور کلی، صادرات غیرنفتی و به ویژه صادرات صنعتی، در سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه ثابت چندان چشمگیر نیست.

مدل و واریانس گردیدن ضریب‌ها

با توجه به منحنی موجود در خصوص ارائه الگوهای اقتصادی، برای ارزیابی تأثیر سیاست‌های توسعه صادرات، ملاحظه می‌شود این مطالعات از دهه ۱۹۸۰ ارائه و به تدریج به نمایان شدن موفقیت‌های بیشتر سیاست‌های فوق و همچنین پیشرفت مطالعاتی در این زمینه، کامل‌تر شده و الگوی به مراتب پیچیدنتر ارائه گردیده است. حتی دامنه این پژوهش‌ها به مطالعات علمی‌پایی از
اثربخشی صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

ارتباط رشد و صادرات ۱ کشتیه است. نتایج این مطالعات عمدها نشان داده‌اند تأثیر صادرات و سیاست‌های برون‌گر با رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. این مطالعات از یک مجموعه از کشورها در صورتی که در برخی مطالعات کشورهای عمدید صادرات نفت به مدت طولانی مدت صورت می‌گیرد و از نظر دیگر، شرایط اقتصادی خاص را نشان داده‌اند. اساس اگر تعریفی فرد (۱۹۸۷) از اثر صادرات بر رشد قرار داده به طوری که با تفسیر کل اقتصاد به دو بخش تولید داخل (۰) و تولید برای صادرات (۳) نیاز است. بهره‌وری نهایی عوامل در بخش صادرات بزرگتر از بخش تولید داخلی می‌باشد. 

\[ \frac{\text{MP}_{L}^{x}}{\text{MP}_{L}^{o}} = 1 + d \]

که: عامل تولید ۱ در تولید بخش‌های مذکور می‌باشد و لقب‌بندی است که فزونی به‌ره‌اروی عوامل بخش صادرات را به دلایلی درک نشان می‌دهد. نتایج تولید بخش صادراتی درای یکپلا‌سی و سایر مسئول نسبت به بخش دیگر نشان می‌دهد. نتایج تولید بخش صادراتی از بخش‌های دارای پیامدهای جانی گسترش‌دار باعث یافتن بخش‌های داخلی اقتصاد می‌باشد که این پیامدهای جانی به صورت یک نهاد تولیدی محقق می‌شود. نتایج تولید بخش‌های داخلی از افزایش می‌دهد (نور تریپ تی‌می‌انسال، اثرات سریع و پیشرفت فناوری در بخش صادراتی به بخش‌های دیگر و مانند اینها) که آن را با \( \Omega \) نشان می‌دهیم. 

سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه صادرات (افزایش) می‌باشد بنابراین، بین سایر صنایع صادراتی، کنترل دقیق، قابلیت می‌شود. در صورت صادرات تحت تأثیرات نشان داده را برای یک نظریه تکمیلی، زیرا وجود تأثیرات فوق بیان‌نامه وجود بیشتری بین بخش‌ها برای صادرات نشان داده فقط به صورت ضریب تا امتیز مالی رشد

1. Causality Study of Export & Economic Growth
اقتصادی و تشكیل سرمایه تلقی می‌شود. بنابراین، با ملاحظات فوق، در این مدل بین انواع صادرات
tكنیک قابل خواهش شد.

الگوی موردنشان در این مقاله از دیدگاه تابع تولید (عرضه) به ارزیابی تأثیر رشد صادرات بر رشد
اقتصادی و رشد تشكیل سرمایه در دو سطح غیرتغییرشمار و بخشی مبتدای به طوری که ابتدا در
سطح غیرتغییرشمار و سپس به بخشی تغییرشمار می‌شود. در سطح کلان، اگر تولید ناخالص داخلی
رایا محصول مربک بدانیم، می‌توانیم به دو بخش صادرات و تولید برای داخلی تقسیم کنیم:

\[ Y = D + X \]

که هر کدام تابعی از نیروی کار، سرمایه و واردات و استثمار و سرمایه‌های مبتدای. یعنی داریم:

\[ D = D(L_d, K_d, M_d) + \phi X \]

\[ X = x(L_x, K_x, M_x) \]

با دیفرانسیل‌گیری از روابط فوق و ادغام و چارگذاری هدایت مناسب، در نهایت، رابطه رشد
اقتصادی براساس تابعی از رشد نیروی کار، رشد سرمایه، رشد صادرات نفتی، رشد صادرات غیرنفتی،
رشد صادرات صنعتی و رشد واردات و استثمار و سرمایه‌های نوشته می‌شود. یعنی:

\[ RGDP = d_0 + d_1RL + d_2ROX + d_3RNOX + d_4RNX + d_5RM \]

که در آن متغیر وابسته رشد تولید ناخالص داخلی و متغیرهای مستقل، به ترتیب، رشد نیروی کار،
رشد تشكل سرمایه ثابت، رش میدان صادرات نفت، رشد صادرات غیرنفتی، رشد
chnittی صادرات و رشد واردات و استثمار و سرمایه‌های نوشته می‌باشد.

را دیوید (1985) یادآور می‌شود که به دلیل واکنش مناسب‌تر رشد متغیرها به رشد اقتصادی،
مدل باقی‌مانده از روش هم‌زمان می‌باشد که باید برای رفع این تورش از معادلات هم زمان استفاده
شد. با خصوصیات اکتشافی (1991) به بیان این تاکید، به اکتشاف بکم، مدل هم‌زمان بردازش که در آن
سه معادله اقتصادی رشد بر حسب عوامل تغییر کننده، به صورت هم زمان تنومندی می‌شود. که در
آن معادله اول رشد تولید ناخالص داخلی، معادله دوم رشد صادرات صنعتی و معادله سوم رشد واردات
واسطه‌ای و سرمایه‌های مبتدای. قبل از مطالعه فوق، متوالی و نامشک (1982) طی مطالعه مشابه،
 ضمن ارائه مدل هم زمان برای رشد براساس معادلات فوق، تشكیل سرمایه‌های ثابت را به عنوان تابعی

تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

از رشد اقتصادی، رشد صادرات نتیجه‌گیری ارائه‌نامه‌ها یافته. این مطالعه که به صورت موردی برای کشورهای مهم صادرکننده نتیجه‌گیری انجام گرفته، مؤید تأثیر مهم صادرات بر تشکیل سرمایه‌ای می‌باشد که به صورت معاودته هزینه‌های برآورده شده است. بنابر تجربیات فوق، در اینجا معادله ارائه شده در بالا به یک مجموعه معادلات هم‌زمان به صورت یک تبدیل و کامل می‌گردد:

\[
\begin{align*}
\text{RGDP} &= d_0 + d_{11}RL + d_{12}RI + d_{13}RNOX + d_{14}RIX + d_{15}ROX + d_{16}RM \\
\text{RIX} &= d_{20} + d_{21}RGDP + d_{22}RIX(-1) + d_{23}ROX + d_{24}RI \\
\text{RM} &= d_{30} + d_{31}RGDP + d_{32}ROX(-1) \\
\text{RI} &= d_{40} + d_{41}RGDP + d_{42}ROX(-1) + d_{43}RIX + d_{44}RM
\end{align*}
\]

در معادلات فوق، متغیرهای متغیرهای متنگیری یا روند تغییر (به اضافه متغیرهای با وقوع که در هنگام برآورد مدل مورد استفاده قرار می‌گیرند) برای تخمین بازارهای سیستم معادلات هم‌زمان فوق، از روش گردرسون به‌نحو تأثیر بالا بیشتر این روش استفاده به عمل می‌آید که در (SUR) به دویل گزارش‌های این روش استفاده به عمل می‌آید که در این روش، ابتدا معادلات از طریق تک معادلهای OLS تخمین زده می‌شوند و از تخمین ضریب‌ها در این مرحله ماتریس واریانس-کوواریانس ضمایش تشکیل داده شده و با احتمال این ماتریس در مرحله دوم، ضریب‌ها اصلاح می‌شود.

در مورد بررسی و ارائه مدل پخشی، انتخاب نظری بر پخش‌های کلیان و مدل ارائه شده برای آن وجود دارد، به طوری که رشد افزوده‌های از پخش به صورت تابعی از رشد نیروی کار پخش، رشد تشکیل سرمایه در پخش، رشد اقتصادی (GDP)، رشد صادرات پخش، رشد واردات پخش و رشد نسبت قیمت پخش به قیمت کلی اقتصاد (به منظور محاسبه اثر جه جه تخصصی متعارف بین پخش‌های ناشی از تغییر قیمت‌های نسبی) نوشته می‌شود:

\[
\text{RS} = B_0 + B_{1RSX} + B_{2RSI} + B_{3RGDP} + B_{4RSL} + B_{5RPS} + B_{6RSRM}
\]

که در معادله فوق رشد افزوده پخش و متغیرهای مستقل، به سرعت، عبارت از رشد صادرات پخش، رشد تشکیل سرمایه پخش، رشد تولید ناخالص داخی، رشد نیروی کار پخش، تغییر

1. Seemingly Unrelated Regression
قیمت نسبی بخش و رشد واردات بخش می‌باشد (قیمت نسبی بخش، عبارت است از شاخص قیمت ضمیمه بخش تقسیم بر شاخص ضمیمه GNP). این معادله به آزمون فرضیه نقش صادرات در ارزش افزوده بخشی می‌پردازد.

در مورد اثر صادرات بر تشکیل سرمایه بخشی معادله زیر مد نظر است:

RSI = a0 + a1RS + a2ROX + a3RSX + a4RSM + a5RPS

پارامترهای این معادله، به آزمون فرضیه اثر صادرات بر تشکیل سرمایه بخشی می‌پردازد، به یکی به یکی از عوامل مذکور خودتنا می‌شود. (S=AG) و (S=IM) مدل هستند. در تصمیم این معادلات از روش هدف‌گذاری مربوط خصی (OLS) استفاده می‌شود. بار دیگر در اینجا نیز به یکدیگر می‌شود که منطق ارتقاء مدل کارکرد این مدل بنیادی بر اساس تابع تولید و با الهام از دیدگاه کلان ارائه شده در قیل می‌باشد.

برآورده مدل و نتایج

با توجه به الگوهای اقتصادسنجی که در قسمت قبل ارائه گردید، این مدلها با عنایت به داده‌های موجود اقتصاد ایران برآورد شده است. از آن جا که اطلاعات آماری مورد نیازی تا سال‌های آخر موجود نبود، تاکنون برآورد مدلها تا سال ۱۳۷۵ را دربرمی‌گیرد. شروع دو مورد برآورد سال ۱۳۵۰ و برای برخی معادلات سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۶۹ انتخاب شد. این انتخاب عمده‌ای به دلیل وجود وقوع‌های زمانی در این معادلات بود. با توجه به واقعیت‌های اقتصاد ایران، شروع دوره‌های اقتصادی که در آمده‌ها نتیجه‌گیری‌ها کامل‌ا از متقن‌سازی اقتصادی آشکار شده است. به همین سال‌ها، به عنوان مثال، سال ۱۳۵۰ بوده است. در طی زمانی که برای برآورد معادلات مدل انتخاب شده است، حدود ۲۰ واقع مهم و اساسی در ایران رخ داده است. از جمله اقتصادسنجی، دوره هشت ساله جنگ تحمیلی و دوره بازسازی و برآمدهای پنج ساله توسعه که کوشیده‌ایم با استفاده از متقن‌سازی مجازی، این یافته‌ها را برآورد نماییم.

مدل‌های ارائه شده در قسمت قبل مقاله شامل هوش مصنوعی کلی بودند: یکی مربوط به سطح کلان اقتصاد (غیربیشتر) و دیگر بخش‌های منصوب یعنی بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی. برآورد
مدل کلان به صورت سیستم معادلات هم زمان و از طریق رگرسیون به ظاهر نامرتبط (SUR) و به ظاهر نامرتبط تکراری یک صورت گرفت و مدل های بخشی به صورت جداکلمه مربوطات خشک معادل‌های و با استفاده از فرآیند میانگین متحرک و فرآیند خود هم بسگی بنا به تناسب موجود در مدل‌ها، برآورد شد. ابتدا به تشریح تابع مدل کلان غیربخبی می‌پردازیم.

نتایج به دست آمده از مدل کلان برآورد شده از طریق رگرسیون به ظاهر نامرتبط (SUR) صوت زیر می‌باشد.

\[
\text{RGDP} = 1.46 + 0.49RL + 0.21RI - 0.01 RNOX + 0.04RIRX - 0.03RM(-1) + \\
T:(0.99) (2.9) (4.1) (-0.55) (2.58) (-0.9) \\
0.04RIRX - 1.23D2 \\
(3.19) (-0.64) \\
R^2 = 0.832 \quad \text{D.W.} = 1.836
\]

\[
\text{RIX} = -2.8 + 3.1 \text{ RGDP} + 0.21 \text{ RIX(-1)} + 29.36D2 \\
(-0.17) (2.5) (1.23) (1.33) \\
R^2 = 0.21 \quad \text{D.W.} = 2.02
\]

\[
\text{RM} = 4.37 + 1.48 \text{ RGDP} + 0.23 \text{ ROX(-1)} \\
(0.7) (2.5) (3.07) \\
R^2 = 0.48 \quad \text{D.W.} = 2.07
\]

\[
\text{RI} = -1.486 + 1.37 \text{ RGDP} + 0.11 \text{ ROX(-1)} - 2.01D2 \\
(-0.43) (4.38) (2.82) (-0.4) \\
R^2 = 0.61 \quad \text{D.W.} = 2.16
\]

1. Iterative Sur
در معادلات اول و دوم و چهارم از چهار معادله برآورده شده معتبر D2 مربوط به متغیر مجازی دوره جنگ تحمیلی می‌باشد. همانطور که از روابط فوق مشخص است، اثر سریع جنگ بر اقتصاد کشور بین صورت بوده که اثر متفکری بر رشد تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی گذاری تاثیر داشته و در غیب حال، نشان دهنده ضرورت توجه به صادرات غیرنفتی بوده، به‌ویژه صادرات منعتی می‌باشد. به طوری که این اثر متفکری بر رشد صادرات صنعتی به صورت مستقیم نشان داده شده است. قبل از تشریح بیشتر مدل باید گفت که آمار اقتصاد کشور نشان دهنده روند مکوس آن متفکر با رشد اقتصادی کشور، به ویژه پس از انقلاب و تا پایان جنگ می‌باشد. این مدل توصیف می‌شود هر گونه برآورده اقتصادسنجی از معادله، رشد تولید ناخالص داخلی را به صورت اثر منفی در ارتقاء با رشد نیروی کار مشخص سازد. بین روز، صورت باید بین تکنیک و تکنیک متفکری لازم امید (این) نکته از اولیت‌ها اقتصاد ایران کاملاً بپیچتی است که یکی از انقلاب اقتصاد و استفاده با توجه به می‌لند بخشی از اقتصاد و صنعت، روندی دستورالعمل و تحت تأثیر جریان احساسات اقتصادی قرار گرفته است. بازاریان به رغم زکو، افزایش اقتصاد باشند که این اجماع گرفته به برنامه صورت بوده که رشد اقتصاد مؤثر بینی برای با رشد تولید ناخالص داخلی برای مقیاس زمانی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۸۱۳۶۷-۱۳۶۸ متوسط راز قرار گرفت و اعمال شد.

در معادله اول، ضریب‌هایی به دست آمده برای رشد نیروی کار، رشد تشکیل سرمایه تابع، رشد صادرات صنعتی و رشد صادرات غیرنفتی در درصد با الکتر از ۹۹ درصد معنادار است ولی ضریب‌هایی به دست آمده برای رشد صادرات غیرنفتی و رشد واردات و استردادهای سرمایه‌ای خلاف جهت تئوریک، می‌گذارند. حاصل شد و در غیب حال، از نظر آماری در حد اطمینان پایینی به دست آمده است. در مورد صادرات غیرنفتی، رابطه منفی آن با رشد اقتصادی در طول سال‌های متمادی در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود. از آن جا که قسمت اعظم صادرات غیرنفتی کشور کالاهایی سنتی و راهبازی تشکیل می‌دهد از لحاظ تئوری به هیچ روش انتظاری بر این که تأثیر منفی بر رشد اقتصادی تاثیر داشته باشد، وجود ندارد، همچنین از نظر تجاری در ایران هر گاه دو دلیل اصلی داشتند، رشد اقتصادی روانی منفی به خود می‌گرزند. توجه به تشتیلی‌گذاری دولت در راستای تشکیل صادرات غیرنفتی قرار می‌گرفته است و پس از رونق مجدد درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی مجدداً به فراوانی سپرده
تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

در مورد رشد واردات و صادرات، به رغم این که یاد تأثیر مهم و مثبت خود را نشان دهد، لیکن در معادله اول مدل هم زمان به صورت ضعیف و منفی (خلاف جهت توریکری) به دست آمده است. این نتیجه اهمیت چندانی در مورد قضاوت ما نخواهد داشت، چراکه با توجه واقعیت‌های اقتصاد ایران، واردات تابع مسلم در آمددهای نفتی است. بنابراین، اگر از احتیال هم خ/script/copy/یاب آن، متأخر با رشد صادرات نفتی صرف نظر کنیم، تأثیر مثبت و قاطع صادرات نفتی بر رشد اقتصادی ایران به خوبی گویای تأثیر مهم این متغیر بر رشد اقتصادی می‌باشد.

در معادله دوم هم زمان، همان طور که پیشتر گفته‌شده، تأثیر مناسب رشد صادرات صنعتی با رشد اقتصادی را اندوزه می‌گیرد. در واقع اول، متغیرهای رشد نیروی کار و رشد صادرات نفتی به دلیل بی‌معنا بودن و نتایج ضعیف امآی آن از مدل کار گذاشته شده و رشد صادرات صنعتی دوره قابل به سبب تغییر زمانی در مدل وارد شد. نتیجه این معادله، حاکی از تأثیر مهم رشد اقتصادی بر صادرات صنعتی می‌باشد (با اطمینان بیش از 98 درصد). در عین حال، به علت حذف متغیرهای پایه‌ای شده، رک ی این معادله که شکست یافته است.

در معادله سوم، اثر رشد تولید ناخالص داخلی و رشد صادرات نفتی، آن هم با یک وقیه زمانی، بر رشد واردات و صادرات با اطمینان بیش از 99 درصد تایید شده است. در عین حال، برآوردهای اولیه، تأثیر بسیار ضعیف و مهم رشد صادرات صنعتی و صادرات غیرنفتی بر تشکیل سرمایه و رشد آن را نشان می‌دهند و این نتیجه با توجه به واقعیت‌های اقتصاد ایران خلاف انتظار نیست. به همین لحاظ، متغیرهای رشد صادرات صنعتی و غیرنفتی از مدل کار گذاشته شده، تأثیر قاطع رشد صادرات نفتی (با وقیه) به برش واردات در معادله سوم به دست آمده، به خوبی تایید چند تأثیر رشد واردات سرمایه‌ای و واردات بر تشکیل سرمایه تأثیب در اقتصاد کشور است. بنابر فرضیه‌های این مقاله، معادلات اول و دوم معادلات اصلی می‌باشند و 41 درصد و R

درصد پراورد شده است که نشان دهنده آن است که درصد زیادی از تغییرات رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرمایه‌گذاری توسط متغیرهای واسته آن توضیح داده شده است. به ویژه این
فرایند مایع شده که رشد صادرات صنعتی و نفتی عامل مؤثر در رشد اقتصاد است و رشد صادرات نفتی مؤثرترین عامل تعیین کننده رشد سرمایه‌گذاری در کشور است.

نتایج برآورد معادلات هم زمان مدل به روش رگرسیون به ظاهر تامرتای کاری، به صورت زیر است.

(Iterative sur)

\[ \text{RGDP} = 0.56 + 0.007 \text{ RL} + 0.4 \text{ RI} - 0.006 \text{ RNOX} + 0.067 \text{ RIX} - 0.004 \text{ RM(-1)} + \]

\[ 0.005 \text{ ROX} - 1.67 \text{ D}_2 \]

\[ (0.39) \quad (0.05) \quad (9.1) \quad (-0.28) \quad (5.26) \quad (-0.19) \]

\[ R^2 = 0.44 \quad D.W = 2.34 \]

\[ \text{RIX} = -0.86 + 3.29 \text{ RGDP} + 0.1 \text{ RIX(-1)} + 29.56\text{D}_2 \]

\[ (-0.05) \quad (2.75) \quad (0.81) \quad (1.37) \]

\[ R^2 = 0.19 \quad D.W = 1.8 \]

\[ \text{RM} = 4.96 + 1.63 \text{ RGDP} + 0.18 \text{ ROX(-1)} \]

\[ (0.85) \quad (2.79) \quad (2.53) \]

\[ R^2 = 0.45 \quad D.W = 2.004 \]

\[ \text{RI} = -1.59 + 1.8 \text{ RGDP} + 0.015 \text{ BOX(-1)} - 0.83 \text{ D}_2 \]

\[ (-0.55) \quad (6.67) \quad (0.73) \quad (-0.17) \]

\[ R^2 = 0.5 \quad D.W = 2.2 \]

همان گونه که می‌بینید، سیستم معادلات هم زمان برآورد شده فوق‌هیچ پیوستگی در نتایج مدل در مقایسه با نتایج قبلی به همراه نداشته است. از حیث علامت تغییری نکرده و از نظر مقدار، بجز جند
تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

مورد کاهش عدیدی، تقییاً ثابت مانده است. در عین حال، از نظر فنی هیچگاهی در بروآورد مدل (که منظور اصلی از روش تکراری به نظر نامربوط است) پس از ۲۰ تکرار حاشیه است که اعتبار نتایج به دست آمده را زیر سوال می‌برد. در مجموع، می‌توان فرضیه بسته به دست آمده از روش SUR را بررسی کرد. بنابراین از دیدگاه ارزیابی فرضیهای این مقاله به دست می‌دهد و نتایج به دست آمده از آن برای سطح کل اقتصاد ایران در آن۸ آزمون فرضیه ملاک اصلی می‌باشد.

نتایج بروآورد انگلیسی اقتصادسنجی برای انجام آزمون فرضیه برای بخش‌های منتخب کشاورزی و صنعت و معدن به صورت زیر ارائه می‌گردد. قبل از ارائه نتایج برای تک‌کدی، نکات زیر را دوباره به‌دستآورده می‌باشیم. اولاً، روش بروآورد معادله‌ای به روش خلاصه‌برداری و مودال‌هایی به‌طور مناسب با تصحیح خود‌همانگی و میانگین‌های جمله خلاصه‌‌برداری مورد گرفتن است. ثانیاً معادله صادرات بخش کشاورزی در بروآورد نتایج خلاف نظریک و کاملاً صرفه‌زا از نظر آماری را ارائه داده است که نشان دهنده عدم تابعیت صادرات این بخش از متعیین‌کننده در انتظار نیست. بله، به‌همین جهت، در این مورد به جمله فوق اکتفا نموده و از ارائه نتیجه غیرقابل قبول آن اجتناب می‌شود. تالاً به دلیل عدم دسترسی به آمار اشتغال بخش‌ها، با فرض همگن بودن بخش‌ها و همچنین فرض بازدهی نسبی به مقیاس در بین بخش‌ها از نظر نیروی انسانی شامل در بخش، متعیین گردد. این برای اشتغال هر بخش به صورت حاصل ضرب اشتغال کل در نسبت مهم ارزش افروزیدن بخش در تولید ناخالص داخلی محاسبه گردید و براساس آن با محاسبه یک رشد اشتغال بخشی در معادلات مورد استفاده قرار گرفته. معادله مورد نظر در هر بخش، تابع رشد ارتش افزوده‌های بخش بود که براساس معنی‌های مستقل رشد اشتغال بخشی، رشد تک‌کد سرمایه در بخش، رشد صادرات بخش، رشد صادرات نقش و نسبت قیمت بخش به شاخص قیمت ضمنی تولید ناخالص داخلی (به عنوان معنی‌های که اگر جایی جایی منابع بین بخش‌ها توضیح می‌دهد) مورد آزمون قرار گرفت و نتیجه برای دو بخش مورد نظر، به صورت زیر، حاصل گردید:

1. Proxy Variable
بخش صنعت و معدن
برای این بخش دو معادله زیر برآورد گردید:

\[
\text{RIM} = -26.16 + 0.13 \text{RIIM} + 0.84 \text{RLIM} + 0.06 \text{RIX} + 23.84 \text{RPIM}
\]

\[
\begin{align*}
\text{(دورة زمانی ۱۳۷۲-۱۳۷۳)} & \\
\text{R}^2 & = 0.82 \\
\text{D.W} & = 1.72 \\
\text{F} & = 15.51
\end{align*}
\]

با اضافه کردن رشد صادرات نفت نتیجه به صورت زیر ارائه گردید:

\[
\text{RIM} = -22.19 + 0.11 \text{RIIM} + 0.72 \text{RLIM} + 0.06 \text{R1} + 20.1 \text{RPIM} + 0.03 \text{ROX}
\]

\[
\begin{align*}
\text{(دورة زمانی ۱۳۷۲-۱۳۷۳)} & \\
\text{R}^2 & = 0.835 \\
\text{D.W} & = 1.62 \\
\text{F} & = 13.56
\end{align*}
\]

هر دو معادله فوق دارای معیاری میانگین متحرک جملات خطا (آز مرتبت ۱) می‌باشد که عملیات تصحیح به عمل آمده است. تمام ضریب‌های دو معادله، به استثنای ضریب رشد صادرات نفت، در سطح ۹۹ درصد دارای احتمال وارون نمایش و نتایج فوق به وضوح تاییدگذاری تأثیرگذاری بخش صادرات بخش صنعت معدن در رشد افزوده این بخش می‌باشد.

بخش کشاورزی
برای این بخش نیز دو معادله مورد برآورد قرار گرفت:

\[
\text{RAG} = -1.38 + 0.02 \text{RAX} + 0.06 \text{RIAG} + 0.72 \text{RGDP} + 0.59 \text{RLAG} + 0.48 \text{RPAG}
\]

\[
\begin{align*}
\text{(دورة زمانی ۱۳۷۲-۱۳۷۳)} & \\
\text{R}^2 & = 0.82 \\
\text{D.W} & = 1.74 \\
\text{F} & = 10.85
\end{align*}
\]

با توجه به ضعیف بودن ضریب رشد واردات و استمالات و سرمایه‌ای بر رشد افزوده این بخش کشاورزی این مطلب از مدل حذف گردید و نتیجه زیر به دست آمد.
تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

\[
\begin{align*}
\text{RAG} &= -2.04 + 0.02RAX + 0.06RIAG + 0.72RGDP + 0.6RLAG + 1.03RPAG \\
& \quad \quad \quad (-0.6) \quad (2.19) \quad (2.56) \quad (7.48) \quad (6.23) \quad (0.3) \\
R^2 &= 0.82 \quad \text{D.W} = 1.78 \quad F = 13.52
\end{align*}
\]

هر دو معادله از فرآیند میانگین متحرک مربوط به جملات خطای برخوردار بودند که تصحیح گردید. در این معادلات از رشد تولید ناخالص داخلی استفاده به عمل آمد و رشد صادرات نقش به دلیل ضریب‌های غیرقابل قبول حذف شد. در هر دو معادله، به وضوح نقش صادرات بخش کشاورزی در رشد این بخش تأیید گردید (هر چند ضریب مربوطه کوچک بوده است).

اثر صادرات بر تشکیل سرمایه بخشی به صورت معادلات زیر پارامتر گردیده است:

بخش صنعت و معدن

\[
\begin{align*}
\text{RIIM} &= -7.48 + 0.82 RIM + 0.8 RIX + 0.06 ROX(-1) + 0.5 RM(-1) \\
& \quad \quad \quad (-1.98) \quad (1.94) \quad (1.21) \quad (0.85) \quad (3.36) \\
R^2 &= 0.68 \quad \text{D.W} = 1.68 \quad F = 8.28
\end{align*}
\]

(دوره زمانی 1399-1393)

بخش کشاورزی

\[
\begin{align*}
\text{RIAG} &= -47.82 + 0.38RAG - 0.38RLAG + 0.3RAX + 0.15ROX(-1) + 48.2RPAG \\
& \quad \quad \quad (-2.13) \quad (0.47) \quad (-0.9) \quad (0.4) \quad (3.49) \quad (2.25) \\
R^2 &= 0.59 \quad \text{D.W} = 2.07 \quad F = 2.24
\end{align*}
\]

(دوره زمانی 1373-1367)

هر دو معادله از فرآیندهای همبستگی مربوط به جملات خطای برخوردار بودند که تصحیح گردیدند. از معادله مربوط به بخش صنعت و معدن قیمت نسبی این بخش به دلیل نتیجه غیرقابل قبول آن، حذف گردید.

1. در جریان پرورش مدل‌های بخشی تابع رشد صادرات بخش‌های کشاورزی و صنعت و معدن پارامتر شد که در مورد هر دو بخش، تأثیر عوامل در نظر گرفته شده بسیار ضعیف حاصل گردید از این رو، از ارائه آن خودداری گردید.
همان‌گونه که می‌بینید، اثر رشد صادرات بخش کشاورزی تأثیر ضعیفی و با اطمینان کمی را بر رشد تشكیل سرمایه‌ای ایجاد می‌کند. هدف از دیدگاه واقعیت‌ها و نهایت درون این بخش
- حاکی از عدم توسعه صنعتی این بخش و سنتی بودن آن - دارد. در مقابل تأثیر رشد صادرات نفت بر رشد تشكیل سرمایه بخش کشاورزی با قاطعیت تأیید شده است.

برای بخش صنعت و معدن تأثیر رشد صادرات این بخش بر رشد تشكیل سرمایه آن با اطمینان پیشتری تأیید شده است. ولی همان‌گونه که یافته‌ها مدل‌شناسی میدهد، رشد تشكیل سرمایه، این بخش پیشتر تحت تأثیر رشد واردات این کشور تأییدی و با استناد به خارج این بخش می‌باشد.

نتیجه‌گیری

راهب‌رد توسعه صادرات و سیاست‌های بروز گروهی به عنوان محرک رشد و توسعه اقتصادی قابل ملاحظه‌ای باشد. این اهمیت سبب شده که کشورهای مختلف در این راستا حمایت و تجارت متفاوتی را به مرحله آزمون برسانند. ایران در این موضوع تجربه خود را به بوتاه آزمایش گذاشته و نتایجی را کسب نموده است.

توسعه صادرات در ایران که از صادراتگان نفت منتسب به سیاست‌های اقتصادی است، زیرا صادرات تک محصولی از یک سوی، سبب وابستگی هندسی و خشک بخش‌ها متفاوت اقتصادی به بخش نفت شده و از سوی دیگر، جریان اقتصاد کشور را از صادرات غیرنفتی به ویژه صادرات صنعتی، دور نموده است. در این مطالعه، سعی را دارد اثر صادرات نفتی و غیرنفتی بر رشد اقتصادی و تشكیل سرمایه برسی گردد و بخش‌های مختلف اقتصاد نیز مورد توجه قرار گیرند. پس از بررسی اجمالی صادرات نفتی و غیرنفتی در ایران و استفاده از مدل اقتصادسنجی برآورده‌ای اثر این متغیر بر رشد اقتصادی و تشكیل سرمایه به نتیجه‌ای حاصل نموده که نشان از واقعیت‌های موجود در جامعه دارد و حقایق قابل تاکید را از تجربه اقتصاد کشور روسیه می‌نماید.

در مجموع، می‌توان چنین استنتاج کرد که در سطح کلی، اثر رشد صادرات صنعتی و صادرات نفتی بر رشد اقتصادی کاملی هم‌ماند و مؤثر است، به طوری که اثر رشد صادرات صنعتی و توئیم تاکید را داشته و نتیجه‌های توزیع صادرات (یعنی روند بهره‌وری عوامل این بخش نسبت به
تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه

بخش‌های دیگر و همچنین پیامدهای جانبی این صادرات بر دیگر بخش‌ها) بدانید و تأثیر صادرات نتیجه را ضریب تأمین مالی این بخش بر مجموعه اقتصاد و رشد اقتصادی بدانید. در همین حالت، رشد صادرات غیرنفتی هیچ گونه تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد، زیرا این مجموعه شامل کالاهای سنتی و کشاورزی می‌باشد که از حفاظ نظیر همیشه گونه تأثیری برای آن قابل نیستند. تأثیر متقابل رشد اقتصادی بر رشد صادرات صنعتی نتیجه‌گیری این مطالعه می‌باشد که به طور قاطع تأیید شده است. همچنین تأثیر متقابل رشد تولید ناخالص داخلی و رشد صادرات نفی بر رشد واردات و استخراج سرمایه‌ای حاصل شده است، و در نهایت، مشخص گردید که رشد تشکیل سرمایه در اقتصاد تحت تأثیر رشد اقتصادی و رشد صادرات نفتی می‌باشد و رشد صادرات صنعتی و غیر نفتی هیچ گونه اثری بر روند این مغرب به طور کلی ندارد.

در سطح بخش‌ی، اثر رشد صادرات بر رشد ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت و معدن تأیید می‌شود. این تاثیر برای بخش صنعت و معدن به مراتب بزرگتر می‌باشد و نشان دهنده تأثیر‌پذیری بیشتر رشد این بخش از صادرات است. در مورد روند تشکیل سرمایه در بخش‌های منتبه نتایج نشان دهنده تأثیر رشد صادرات صنعتی بر رشد تشکیل سرمایه این بخش است. در مورد بخش کشاورزی، جوین مستندی استنتاج نگردید و مؤید آن است که در این بخش، حوصل و حرکت لازم به سمت استفاده از روش‌های نوین و سرمایه‌بر ایجاد نشده است، هر چند در این خصوص از استعدادهای سرشانی برخوردار است.
منابع
الف) فارسی
اسدی، مرتضی. (۱۳۶۹). بررسی رشد نامتوان و دوگانگی اقتصاد ایران. مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۴۲.


توکلی، اکبر. (۱۳۷۷). اکتشاف قضاوتی کالای صادراتی صنعتی نفت. چهارمین همایش توسعه صادرات غیرنفتی کشور. تبریز.

ختای، محمود؛ اکبری، محبوب. (۱۳۷۳). تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران، یک الگوی اقتصادسنجی برای کشورهای صادرکننده نفت. سومین کنفرانس برنامهریزی و توسعه. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.

سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۵). آمار سری‌های زمانی اقتصادی، اجتماعی، دفتر اقتصاد کلان. کریمی، فریادر. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تأثیر آن بر صادرات کشور. چهارمین همایش توسعه صادرات غیرنفتی کشور: تبریز.

مایس، دژ. (۱۳۷۶). اقتصادسنجی کاربردی. عباس غرب مazar، مترجم. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

ب) انگلیسی


